

پرداخت حقوق به 100 هزار معلمی که معلم نیستند؟!

بحران جدی کمبود معلم



[پریسا هاشمی](#)

گزارشگر هم‌میهن

با وجود آمارها از کمبود 300 هزار معلم، سرپرست آموزش و پرورش از کمبود 50 هزار مربی پرورشی خبر می‌دهد

در حالی که وزارت آموزش و پرورش بنا به ادعای رئیس فراکسیون فرهنگیان مجلس با کمبود 300 هزار معلم روبه‌روست و هر ساله هم 100 هزار معلم بازنشسته می‌شوند، سرپرست این وزارتخانه از کمبود 50 هزار مربی پرورشی می‌گوید و امیدوار است که با استخدام 27 هزار معلم بتواند مشکل را کاهش دهد. این در حالی است که عمده کلاسهای درس بیش از ظرفیت استان‌ها دانش‌آموز دارند و اگر قرار باشد بر اساس استان‌ها کلاسهای درس را تشکیل دهند، کمبود معلم بیش از رقم اعلام‌شده خواهد بود. متأسفانه وزارت آموزش و پرورش طی سالیان سال فریب شده و توان حرکت، تغییر و تحول، حرکت به سمت روشهای نوین را ندارد و همچنان با روشهای فرسوده و به قول کارشناسان استثماری معلمان، کار خود را پیش می‌برد و هر اظهار نگرانی‌ای هر چند وقت یکبار، از مسئولان این وزارتخانه هم از سر آن است که چنین حرفها و شعارهایی را در کارنامه خود ثبت کنند و بس.

رضا مرادصحرائی، سرپرست وزارت آموزش و پرورش روز گذشته در حالی از آمار نگران‌کننده کمبود معلمان خبر می‌دهد که این وزارتخانه عمده تلاش خود را برای اجرای طرح «امین» به کار می‌برد تا روحانیون یکی پس از دیگری جذب مدارس شوند. صحرائی درباره این خبر گفت: «شهریور هر سال رتبه‌بندی براساس قانون صورت می‌گیرد. فعالیت‌های

پرورشی از اولویت‌های اصلی سند تحول است. با کمبود ۵۰ هزار مربی پرورشی روبه‌رو هستیم. امسال ۱۱ هزار نفر بدین منظور استخدام خواهند شد، ولی باز هم کم است. آمار کمبود معلمان هنوز دقیق نیست.» او معتقد است: «تغییراتی در نحوه سامان‌دهی ایجاد می‌کنیم و امیدواریم نیازمان کمتر از پیش‌بینی‌ها باشد، چراکه این کمبود نگران‌کننده است. برخی اقدامات به لحاظ مدیریتی می‌تواند این نیاز را کاهش دهد.» سرپرست وزارت آموزش و پرورش با اشاره به آزمون استخدامی ۲۷ هزار نفره ابراز امیدواری کرد که سال تحصیلی جدید با حداقل مشکلات آغاز شود.

اما این اولین بار نیست که بحرانی شدن شرایط کمبود معلم در کشور خبرساز می‌شود. سال تحصیلی ۱۴۰۱ نیز با همین مشکل شروع شد و اعتراضات سراسری، برودت هوا، مسمومیت‌ها، آلودگی هوا و هزار و یک بهانه مختلف دیگر مدارس را به تعطیلی کشاند، تا معضل کمبود معلم به چشم نیاید. احمدحسین فلاحی، عضو کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی سال گذشته به ضدونقیض بودن آمارهای آموزش و پرورش اشاره و تاکید کرد: «آمارهایی که وزارت آموزش و پرورش ارائه می‌کند با واقعیتی که ما در جامعه می‌بینیم، متفاوت است. کمبود معلم در آموزش و پرورش از ۲۳۰ تا ۲۶۰ هزار نفر است.» حمیدرضا حاجی‌بابایی، رئیس فراکسیون فرهنگیان مجلس نیز آذرماه سال گذشته اعلام کرد: «آموزش و پرورش ۳۰۰ هزار کمبود معلم دارد، این کمبودها از معلم پرورشی بوده تا معلم ورزش و آزمایشگاه؛ اگر می‌خواهیم یک آموزش و پرورش با نشاط داشته باشیم باید از طریق دانشگاه فرهنگیان ۳۰۰ هزار معلم تربیت کرده و راهی کلاس‌های درس کنیم. حتما دانشجویی که در دانشگاه تربیت معلم درس خوانده، می‌تواند بهتر تدریس کند.» سال گذشته حداقل ۲۵۰ هزار معلم بازنشسته شدند. به عبارت دیگر ۲۵۰ هزار نفر از با تجربه‌ترین معلمان آموزش و پرورش خانه‌نشین شدند درحالی‌که برنامه‌ای برای جایگزین شدن آنها وجود نداشته و ندارد و تنها راه‌حلی که آموزش و پرورش به آن پناه برد، استفاده از دانشجومعلمانی بود که هنوز دوره کارورزی خود را به پایان نرسانده‌اند. حتی دستورهای بی‌پشتوانه هم نمی‌تواند کمبود معلمان را جبران کند.

پرداخت حقوق به ۱۰۰ هزار معلمی که معلم نیستند؟!



محمد داوری، سخنگوی سازمان معلمان ایران در گفت‌وگو با هم‌میهن با اشاره به اینکه آمار دقیقی از کمبود معلم در کشور نداریم، تاکید کرد: «در دوره وزارت دانش‌آشتیانی در این موضوعات شفافسازی شد و در همان زمان گفته شد که در چهارپنج سال آینده، به طور میانگین سالی 100 هزار معلم بازنشسته خواهند شد. اکثر نیروهای آموزش و پرورش استخدام دهه 60 و 70 بودند که در شرف بازنشستگی هستند و آمار سالی 100 هزار معلم بازنشسته دور از واقعیت نیست.»

او با اشاره به آماری که فقط یک دوره منتشر شد، افزود: «در یک جلسه خصوصی گفته شد که حدود 100 تا 120 هزار معلم از آموزش و پرورش حقوق می‌گیرند، اما نقشی در آموزش و پرورش ایفا نمی‌کنند. سوال اینجاست که این آمار واقعیت دارد؟ بعضی از این افراد با سازمان‌ها و ارگان‌های دیگر مامور شدند و برخی دیگر از آموزش و پرورش حقوق می‌گیرند، اما در بسیج، سپاه، راهیان نور و... فعال هستند. در حقیقت پستی وجود دارد که فرد آن را می‌گیرد اما جای دیگری کار می‌کند. فرض کنید که 100 هزار نفر با این روش در آموزش و پرورش نباشند و سالی 100 هزار نفر هم بازنشسته شوند، یعنی سالی 20 درصد معلمان کاهش می‌یابند و اول مهر آموزش و پرورش مشکل پیدا می‌کند. البته این 20 درصد در نقاط مختلف کشور، متفاوت است. به‌عنوان مثال در تهران این آمار بیشتر است و بیش از 70 درصد معلمان که کار می‌کنند بازنشسته هستند و به‌عنوان حق‌التدریس فعالیت می‌کنند. این نیروها فرسوده، خسته و افسرده هستند و به دلیل نیاز مالی حق‌التدریسی کار می‌کنند.»

داوری تاکید کرد: «وزارت آموزش و پرورش در تمام مراحل نیروی انسانی و مدیریت نیروی آن فاجعه عمل کرده است. در تمام مراحل (1 پذیرش از دانشگاه فرهنگیان یا دانشگاه‌های دیگر، 2) گزینش و مصاحبه‌ها و... (3) نگهداری (4) ارتقا (5) خروج (6) در بحث جایگزینی، دچار مشکل هستیم و می‌توانم به جرات بگویم به طور میانگین 20 درصد کمبود نیرو داریم و در برخی شهرهای پرجمعیت مانند تهران به 70 درصد هم می‌رسد و در برخی مناطق کشور 2 درصد است. ولی فاجعه

خطرناک درباره کمبود نیرو وجود دارد.»

سخنگوی سازمان معلمان ایران گفت: «متأسفانه یکی از مصادیق نبود عدالت آموزشی این است که نیروهای کم‌تجربه به مناطق محروم می‌روند. در حقیقت جایی که محروم است و نیازمند به معلم با تجربه و توانمند، معلم ضعیف‌تر اعزام می‌شود که این نقض عدالت آموزشی است.» **داوری** درباره پنهان کردن کمبود معلم با افزایش تعداد دانش‌آموزان یک کلاس، گفت: «طبق استانداردهای جهانی در کلاسهای درس باید کمتر از 20 دانش‌آموز حضور داشته باشند. **سازمان** اداری و استخدامی آموزش و پرورش اعلام می‌کند: «به ازای هر 11 دانش‌آموز یک نیروی معلم وجود دارد.» این آمار گول‌زننده است زیرا برخی از مدارس با تراکم بسیار بالای دانش‌آموزی روبه‌رو است که این موضوع در نقض عدالت آموزشی است، چراکه تراکم دانش‌آموزان در کلاسها در مناطق محروم، مدارس دولتی و عادی بیشتر است. در مدارس غیرانتفاعی که کلاسها 30-40 نفره نمی‌شود. حتی در مدارس نمونه مردمی و تیزهوشان هم تعداد دانش‌آموزان بالای 30 نفر است که این فاجعه‌ای در حوزه آموزش محسوب می‌شود.»

دولت از وظیفه قانونی خود شانه خالی می‌کند



محمدتقی فلاحی، دبیر کانون صنفی معلمان تهران درباره کمبود معلم در وزارت آموزش و پرورش به هم‌میهن گفت: «با جذب‌های مختصری که در حال انجام است، مشکل کمبود نیرو در آموزش و پرورش حل نخواهد شد. این کمبود بیشتر در تهران و شهرهای بزرگ است. همچنین با توجه به روند بازنشستگان، جذب تعداد محدود نیرو، مشکل را به‌طور کامل برطرف نخواهد کرد.» او درباره مهاجرت معلمان نیز اظهار کرد: «عمده مهاجرت معلم‌ها از روستا و مناطق محروم به شهرها است و این رویه موجب شده تا مشکل کمبود معلم در روستاها و مناطق محروم افزایش یابد. البته عمده مهاجرت‌ها به شهرهای بزرگی همچون تهران است. در این میان نیز برخی از کمبودها با معلم‌های شرکتی برطرف می‌شود که هنوز تعدادی از آنها حقوق زیر مبالغ عرف دریافت می‌کنند.» فلاحی با ابراز بی‌اطلاعی از تعداد دقیق معلمانی که در آستانه بازنشستگی قرار دارند، تاکید کرد: «بنا به گفته مسئولان

روند بازنشستگی از سال 1396 آغاز شده است و اوج آن تا سال 1402 است و بعد از آن کمتر خواهد شد.»

دبیر کانون صنفی معلمان تهران درباره کمبود 5 هزار نفری معلم پرورشی نیز گفت: «به درستی نمی‌دانم که چقدر معلم پرورشی کمبود داریم. معلم پرورشی بیشتر معلم فوق برنامه است. این در مورد معلم هنر نیز صدق می‌کند. با وجود اینکه چنین درسی در سیستم آموزش و پرورش است، اما عموماً به دلیل کمبود معلم هنر، زمان آن به درس‌های دیگر اختصاص داده می‌شود. اما نکته مهم این است که عموماً در بیشتر درس‌ها کمبود نیرو داریم، اما آموزش و پرورش سیاست خاصی را برای جبران کمبود نیرو دارد، به طوری که کلاس‌های درس بیش از ظرفیت و استاندارد تعیین شده، دانش‌آموز دارد با این شیوه در شهرهای بزرگ کمبود معلم دروس برطرف شده است.» او با بیان اینکه استفاده از ظرفیت معلم دانشجو به نفع آموزش و پرورش است، تصریح کرد: «تا آنجایی که من در جریان هستم عموماً از سال سوم تحصیل از دانشجویان برای کارآموزی در کلاس‌های درس می‌توان استفاده کرد، اما آموزش و پرورش این دانشجویان را به عنوان معلم نه کارآموز به کلاس درس می‌فرستد و کمک‌هزینه‌ای نیز به آنها می‌دهد که این به نفع دولت است. اما دولت بهتر است برای برون‌رفت از این مشکل فکر دیگری داشته باشد برای نمونه اینکه تنها از ظرفیت دانشگاه تربیت معلم استفاده شود، سیاست خوبی نیست، زیرا این دانشگاه و خروجی آن قادر نیست تعداد مورد نیاز آموزش و پرورش برای تامین کادر آموزشی را پاسخگو باشد، به ویژه که در چند سال اخیر شاهد بازنشستگی زیادی از معلمان بودیم و این رویه ادامه دار است.»

فلاحی تاکید کرد: «اگر از بُعد فقط مالی و بودجه‌ای به رفتار دولت نگاه کنیم که در مجموع به نفع آموزش و پرورش است، زیرا با هزینه کمتر، دانش‌آموز بیشتری را پوشش می‌دهد اما از بُعد کیفیت به ضرر دانش‌آموز و سیستم آموزشی است همچنین سختی‌های کادر آموزش بیشتر می‌شود. کمبود معلم مشکل سال‌های طولانی آموزش و پرورش است و متأسفانه مسئولان به جای اینکه با سرمایه‌گذاری بیشتر و جذاب کردن فضا، کمبود نیروی کارآمد خود را جبران کنند با ایجاد محدودیت‌های شکلی از جمله جذب نیرو تنها از دانشگاه خاص، ماده 28 و برون‌سپاری، استفاده و به نوعی استثمار معلمان شرکتی، هزینه‌ای را بر دوش خانوار منتقل می‌کنند. این رویه به نوعی رفع مسئولیت دولت از ارائه آموزش رایگان و باکیفیت است.»

قانون اساسی دولت‌ها را ملزم به فراهم کردن شرایط آموزش رایگان و

با کیفیت کرده است. اما عملکرد دولتها به گونه‌ای بوده که آموزش
حالا نه رایگان است و نه اصولی. نفس آموزش با معلمان خسته‌ای که غم
نان دارند، به شماره افتاده است و آثرهای خطر ورشکستگی آموزشی
در کشور به صدا درآمده‌اند.

1402 23